

نقش حقوق بشر در روابط دیپلماتیک کانادا با ایران و عربستان سعودی

سید احمد حسینیان زرنگار^۱

^۱ کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز

نویسنده مسئول:

سید احمد حسینیان زرنگار

چکیده

در چند دهه اخیر، بخش مهمی از روح حاکم بر روابط میان کانادا با سایر کشورها را مسائل و مباحث حقوق بشری تشکیل میدهد. در ۱۷ آوریل ۱۹۸۲ ملکه الیزابت دوم با امضای قانونی در اتاوا به قدرت پارلمان بریتانیا در پارلمان کانادا پایان می‌دهد، بدین ترتیب کانادا حاکم بر قانون‌گذاری خویش می‌گردد. منشور حقوق و آزادی‌های کانادا دارای نقش اصلی در حقوق کانادا است. کانادا همگام با اتحادیه اروپا، پادشاهی متحده و ایالات متحده آمریکا شرط احترام به حقوق بشر را در روابط خود با کشورهای جهان سوم، به عنوان عنصر ضروری، وارد نموده و نسبت به مسائل حقوق بشری حساسیت فراوانی نشان می‌دهد. این امر در خصوص روابط کانادا با ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی نیز صادق بوده است. مقاله حاضر، در پی بررسی تطبیقی مبنای حقوق بشری کانادا با ایران و عربستان سعودی است تا با شیوه‌ای متفاوت معیارهای حقوق بشری کانادا در قبال ایران و عربستان سعودی تحلیل و تاثیر آن در روابط دیپلماتیک کانادا با دو کشور را بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها: کانادا، روابط دیپلماتیک، حقوق بشر، ایران، عربستان سعودی

مقدمه

کانادا موفق‌ترین الگوی همگرایی بین‌المللی و یکی از پرنفوذترین کشورهای دنیا به شمار می‌رود. در دوران کنونی، کانادا در روابط دیپلماتیک خود علاوه بر پیگیری اهدافی چون امنیت ملی و توسعه اقتصادی، مسائل حقوق بشری را نیز مد نظر داشته است. کانادا برخلاف سایر قدرت‌ها، از قدرت نرم به جای قدرت سخت در دیپلماسی خود استفاده می‌کند و همچنین جهانی‌سازی حقوق بشر را مبنای اصل ایدئولوژیک روابط دیپلماتیک خود قرار داده و احترام به حقوق بشر، به شرط اساسی روابط دیپلماتیک با کانادا بدل گشته است.

در روز ۱۷ آوریل ۱۹۸۲ ملکه الیزابت دوم با امضای قانونی در اتاوا به قدرت پارلمان بریتانیا در اصلاح قانون‌گذاری کانادا پایان می‌دهد. بدین ترتیب کانادا حاکم بر قانون‌گذاری خویش می‌گردد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این قانون، درج منشور حقوق و آزادی‌ها در سیستم قانون‌گذاری کانادا می‌باشد که بموجب آن حقوق و آزادی کانادائیان که پایه‌های آزادی و دموکراسی است در ورای سایر قوانین واقع شده و مبنای جهت قانون‌گذاری می‌گردند. با درج منشور حقوق و آزادی‌ها در قانون‌گذاری کانادا تصویب معاهده آمریکای شمالی بریتانیا در سال ۱۸۶۷، اعلام بیانیه جهانی حقوق در سال ۱۹۴۸ پس از جنگ جهانی دوم و سایر پیمان‌نامه‌ها روند حقوق و آزادی‌های فردی در کانادا آغاز شد. همچنین مبنای بسیاری از حقوق و آزادی‌های مندرج در منشور به مجموعه‌ای از قوانین کانادایی و سوابق حقوقی برمی‌گردد که در سال ۱۹۶۰ تحت بیانیه حقوق کانادا در دوره دولت جان دیفن بیکر توسط پارلمان کانادا به تصویب رسیده و هنوز هم مورد اعتبار است. در کانادا که در آن مفاهیم، مقررات و ابزارهای حقوق بشری مورد توجه واقع می‌باشد و رشد کمی و کیفی بندهای حقوق بشری در معاهدات اقتصادی کانادا با دیگر شرکای تجاری خود، شاهدی بر این مدعاست. همچنین در اسناد مربوط به روابط دیپلماتیک، امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا نیز مسئله حقوق بشر مورد تأیید قرار گرفته است. پیمان ماستریخت و معاهده آمستردام، توسعه و تحکیم دموکراسی و حکومت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را از اهداف روابط دیپلماتیک و امنیتی مشترک که دز اتحادیه اروپا حاکم است (پاراگراف ۵، بند ۱، ماده ۱، پیمان ماستریخت و معاهده آمستردام) در کانادا نیز مورد احترام می‌باشد بر اساس، ماده ۶ معاهده آمستردام روابط دیپلماتیک بر پایه اصول مسلمی از جمله احترام به حقوق بشر بنا شده و متحدان به همراه دیگر شرکاء در صورتی که به طور مستمر این اصول را در روابط دیپلماتیک و روابط خارجی خود نقض نمایند، از برخی حقوق خود در محروم خواهند شد. مباحث حقوق بشر در جهان امروز و تبدیل آن به یک دغدغه عمومی، میان‌نخبگان سیاسی، فکری و اجرایی جامعه بشری در منطقه خاورمیانه از جمله بر کشورهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی تأثیرگذار بوده است. همانا نظر به اینکه پژوهش‌های لازم در ارتباط با بررسی تطبیقی روابط دیپلماتیک کانادا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از منظر حقوق بشر تا کنون صورت نگرفته، لذا واکاوی و بررسی تطبیقی مبنای حقوق بشری کانادا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در عرصه روابط دیپلماتیک ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله تلاش می‌شود سوال اصلی، مبنی بر بررسی تطبیقی نقش نقض استانداردهای حقوق بشری تعریف شده از سوی کانادا، به عنوان متغیر مستقل بر روابط دیپلماتیک این کشور، در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، به عنوان متغیرهای وابسته، را مورد بررسی قرار دهد. در راستای پاسخ به سوال اصلی، این فرضیه مطرح می‌گردد که نقض استانداردهای حقوق بشری مورد نظر و تعریف شده از سوی کانادا توسط جمهوری اسلامی ایران موجب کاهش سطح روابط دیپلماتیک و اقتصادی و نیز قطع روابط نظامی میان جمهوری اسلامی ایران و کانادا شده است، حال آنکه نقض همان استانداردها توسط عربستان سعودی تأثیر چندانی بر سطح روابط اقتصادی و نظامی کانادا با این کشور به جزء روابط دیپلماتیک نداشته است. رویکرد نظری مقاله حاضر بر اساس چارچوب نظری نهادگرایی نو لیبرال مورد بررسی قرار گرفته که به توضیح پیرامون آن می‌پردازیم.

۱- چارچوب نظری: نهادگرایی نو لیبرال

رویکرد نظری مقاله حاضر متکی بر نظریه نهادگرایی نو لیبرال می‌باشد. چرایی انتخاب این نظریه به عنوان چارچوب نظری، به آن دلیل است که مقاله قصد دارد روابط دیپلماتیک یک کشور مانند کانادا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را از منظر حقوق بشر بررسی نماید. این نظریه نگاه ویژه‌ای به قطعنامه‌های سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز دارد و به نقش آن در بین کشورها و هم‌درون کشورها اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. تأکید بر مولفه‌های منفعت، عقلانیت، همکاری در ابعاد گوناگون روابط دیپلماتیک کانادا و نزدیکی این مولفه‌ها با گزاره اصلی نهادگرایی نو لیبرال و قرابت هر چه بیشتر مولفه‌های فوق با کشور قدرتمندی همچون کانادا، دلیل عمده برگزیدن این نظریه به عنوان چارچوب نظری در مقاله پیش روی می‌باشد. نظریه نهادگرایی نو لیبرالیسم، ترکیبی از نورئالیسم و نوکارکردگرایی می‌باشد. در این راستا، کانادا اصولاً لیبرال بوده و همواره به همکاری و ارزش‌های حقوق بشری اهمیت زیادی می‌دهند. از طرفی، کانادا به عنوان کنشگر عقلانی درمی‌یابد که باید به همکاری روی آورد و سود و منافع خود را از طریق آن افزایش دهد، اما منفعت به مفهوم رئالیستی آن، مورد اهمیت قرار می‌گیرد. همچنین از آنجایی که تعهدات و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری، عناصری

ارزشی می‌باشند، از این رو کانادا به شیوه‌ای هوشمندانه سعی می‌نماید بر اساس دموکراسی، ارزش‌هایی که بر طبق این چارچوب بوده، در جهت رسیدن به منافع خود استفاده ابزاری نماید. در این راستا، شرحی کوتاه بر نظریه نهادگرایی لیبرال خواهیم داشت. نظریه نهادگرایی نولیبرال سنتز و تلفیقی از نوکارکردگرایی و نواقع‌گرایی است. کانون این نظریه آن است که چگونه کشورهای بین‌المللی و منطقه‌ای بر انگیزه‌ها، ارجحیت‌ها و منافع کشورهای سودجو و عاقل تاثیر می‌گذارند. نهادگرایی نولیبرال از یک سو دارای اصول و مفروض‌هایی است که با نواقع‌گرایی سازگاری دارد و از طرف دیگر از قضایا و گزاره‌هایی برخوردار است که با نوکارکردگرایی هم‌خوانی دارد. نهادگرایی نولیبرال نظریه‌ای در مورد نهادها و همکاری بین‌المللی است که در صدد تلفیق سه اصل و عنصر از نو واقع‌گرایی و نوکارکردگرایی است. اول: این نظریه نقش مهمی را که کشورها در همگرایی با کانادا ایفا می‌کنند، به رسمیت می‌شناسد. دوم: انگیزه‌های قوی و قاطعی را که برای همکاری به وسیله وابستگی منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد می‌شود را مورد توجه قرار می‌دهند. سوم: راه و روش‌های تاثیر نهادهای فراملی بر ادراک منافع ملی و ارجحیت‌های کشورها، از طریق تاثیرگذاری بر محاسبات سود و زیان کنش‌های مختلف آنها را مورد تاکید قرار می‌دهند. (مشیرزاده، ۱۳۹۰، ۶۷)

دولت‌ها بر اساس عقلانیت و منافع خود در می‌یابند که باید به همکاری روی آورند و از طرفی، فاصله خود را با واقع‌گرایی نیز حفظ می‌کند. کوهن تاکید واقع‌گرایان بر تعیین‌کنندگی آنارشی بین‌المللی را نمی‌پذیرد. بر وجود عناصر غیررسمی اداره امور به شکل رژیم‌ها و نهادهایی تاکید دارد که به دولت‌ها برای فائق آمدن بر مشکل کنش جمعی و شکست بازار کمک می‌کنند و نشان می‌دهند که نهادها عملاً محیط نظام را تغییر می‌دهند و از این طریق در راهبرد دولت‌ها دگرگونی به وجود می‌آورند و امکان تداوم حفظ منافع از طریق همکاری را فراهم می‌کنند. به بیان لپسن، درست است که دولت‌ها کنشگران مستقل‌اند، اما انتخاب‌های آنها به شکلی متقابل و حداقل در پیامدها به هم وابسته‌اند و باید به هر دو ویژگی‌های روابط بین‌الملل توجه داشت. نهادگرایی نولیبرال، برخلاف نوکارکردگرایی که توسعه همگرایی را خودکار و خارج از کنترل دولت‌ها می‌داند، تکامل و تعمیق چند جانبه‌گرایی کانادا را مستلزم مذاکرات و چانه‌زنی حکومت‌ها و مصالحه آنها می‌داند. کانادا بر اساس منافع ملی خود مسیر، عمق و گستره همگرایی، حوزه اختیارات و صلاحیت‌های خویش را تعریف و تعیین می‌کند. از این رو، سرنوشت روابط دیپلماتیک کانادا وابسته به محاسبه هزینه-فایده آن است. روح چند جانبه‌گرایی کانادا تا زمانی که تامین‌کننده منافع ملی خویش باشد تداوم، توسعه و تعمیق خواهد شد. اما از طرف دیگر، برعکس نواقع‌گرایی، استدلال می‌کند کانادا بر چگونگی ادراک و تعریف منافع ملی از متحدان نیز تاثیر می‌پذیرد که نقش اساسی در تداوم و توسعه همگرایی ایفا می‌کند. فراتر از این، کارکردهای مثبت کانادا در تامین منافع خود و متحدان عامل استمرار آنها می‌باشد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، ۴۱)

۲- ترتیبات کانادایی موثر در عرصه حقوق بشر

از تاثیرات جهانی شدن، می‌توان گسترش جهانی حقوق بشر را نام برد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سیاست بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر در گستره ارتباطات جهانی و فعالیت نهادهای بین‌المللی می‌تواند زمینه‌ساز تحولات عمده داخلی و بین‌المللی شود. همچنین ارتقاء حقوق بشر کانادا نمی‌تواند جدا از بافت بین‌المللی باشد و در روند تکامل تدریجی کانادا در ارتباط با حمایت از حقوق بشر، تاثیر گذاشته و فرصت‌های جدیدی را به منظور توسعه بازیگران بین‌المللی در زمینه حقوق بشر فراهم آورده است. (کرکودال، ۱۹۹۹، ۷۳۵)

کانادا دارای یکی از منسجم‌ترین ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در سراسر جهان است. سه دهه بعد از، تصویب منشور حقوق و آزادی‌ها در سیستم قانون‌گذاری کانادا، کانادا در زمینه گنجاندن حقوق بشر در روابط دیپلماتیک، اقدامی مهم انجام داد و این موضوع در سال ۱۹۷۰، بدین صورت شد که دادگاه عالی کانادا با اتکا بر بیانیه حقوق کانادا و در تصمیمی مشهور به درایونز رای بر بی‌اعتباری بعضی از موارد قانون مربوط به سرخ‌پوستان که آنها را تبعیض‌آمیز تلقی می‌نماید، و در امورات داخلی کانادا نیز تجلی پیدا کرد. رای مذکور توسعه و تحکیم مردم سالاری، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را هدف اصلی نه تنه روابط دیپلماتیک بلکه امورات داخلی و امنیتی کانادا نیز قرار داد. به نظر می‌رسد حقوق بشر در هر دو روابط دیپلماتیک و امورات داخلی کانادا نقش مهمی را ایفا می‌نماید. (آلستون، ۲۰۰۰، ۱۵۶)

در اسناد و منابع قانونی پایه تشکیل دولت فدرال کانادا پایبندی به معیارهای حقوق بشر از جمله مبانی وجودی این شکل‌گیری عنوان شده است. وجود یک نظم حقوقی در کانادا شرط لازم برای ادامه حیات آبرومندانه این کشور می‌باشد. این منابع قانونی بعد زمان جرای منشور شامل حداقل هشت استان شد و آن‌ها قوانین مربوط به حمایت حقوق سیاسی و آزادی‌ها را تصویب نمودند. در این خصوص، استان ساسکاچوان در سال ۱۹۴۳ پیش‌قراول شده و سایر استان‌ها بدین ترتیب وی را دنبال نمودند: انتاریو در سال ۱۹۶۲، نوول اکوس در سال ۱۹۶۳، آلبرتا در سال ۱۹۶۶، نیوبرانزویک در سال ۱۹۶۷، جزیره پرنس ادوارد در سال ۱۹۶۸، ترنوو در سال ۱۹۶۹، بریتیش کلمبیا در سال ۱۹۶۹، منیتوبا در سال ۱۹۷۰ و کبک در سال ۱۹۷۵ در این حال، تروود نخست وزیر وقت کانادا بر تلاشش در

بازگرداندن قانون‌گذاری به کانادا افزوده و در طول رفراندوم جدائی کبک در سال ۱۹۸۰ متعهد به تغییر شرایط می‌گردد در صورتی که رای نه پیروز شود. در ۲ اکتبر ۱۹۸۰ تروود در پیامی تلویزیونی به مردم از خواسته‌اش از پارلمان انگلستان مبنی بر بازگرداندن قانون‌گذاری به کانادا سخن می‌گوید بنحوی که در برگرنده منشوری از حقوق باشد که بتواند آزادی‌های بنیادی، حقوق دموکراتیک، زبانی، قضائی، حق رفت و آمد و برابری را تضمین نماید. هر چند این اقدام مورد نوعی استقبال عمومی قرار می‌گیرد، اما مسئولان استانها بدلیل محدود نمودن اختیاراتشان مخالفت می‌کنند. در حالی که هشت استان مخالفت می‌نمایند، سه استان کبک، ترنوو و منیتوبا از دادگاه استیناف خواهان بررسی مشروعیت این اقدام می‌شوند. با توجه به ناهمگونی پاسخ‌ها، مراتب به دادگاه عالی ارجاع می‌شود. بعلاوه، تروود با تشکیل کمیته‌ای از سناتورها و نمایندگان جهت بررسی عمیق‌تر منشور پیشنهادی و طرح بازگشت قانون‌گذاری موافقت می‌کند. در طول این جلسات، برخلاف نظر حزب محافظه‌کار پیشرو، قدرت محافظت از منشور به جای پارلمان به قضات سپرده می‌شود. همچنین موارد دیگری هم به منشور افزوده می‌شوند که از جمله آنها می‌توان به حق برابری معلولین، تضمین‌های بیشتر برای برابری زن و مرد و شناخت چندفرهنگی بودن کانادا اشاره نمود. در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۱، دادگاه عالی حکم می‌کند که توافق استان‌ها جهت اصلاح قانون‌گذاری الزام قانونی نداشته حتی اگر بر روی قدرت استان‌ها تأثیر بگذارد (با نظر مخالف دو قاضی)، و اینکه بنا بر قراردادی جاری، اتاوا لازم است رضایت استان‌ها جهت درخواست اصلاح قانون‌گذاری را بدست آورد (با نظر مخالف سه قاضی)، در این خصوص لازم است که اجماع کافی بین استان‌ها موجود باشد. بدین ترتیب، تروود به اجبار می‌پذیرد که دولت‌ها از بعضی الزاماتشان تخطی نمایند. این توافق در ۵ نوامبر ۱۹۸۱ طی جلسه‌ای که به شب کاردهای بلند معروف است صورت پذیرفته و استان‌ها به استثنای کبک موافقت می‌کنند تا از اقدامات دولت فدرال پشتیبانی نموده و درج اصلاحیه و منشور حقوق در قانون‌گذاری را بپذیرند. بدین گونه، در روز ۱۷ آوریل ۱۹۸۲ قانون قانون‌گذاری ۱۹۸۲ به توشیح ملکه الیزابت دوم رسیده و منشور حقوق رسماً در قانون‌گذاری قید می‌گردد. قانون حقوق و آزادی‌های کانادا رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز می‌باشند. علاوه بر این اسناد، کانادا با استفاده از روابط دیپلماتیک و گفت و گوی متقابل یا برخی نهادها نظیر شورای اروپا، کمیسیون اروپا، پارلمان اروپا، دادگاه اروپایی حقوق بشر و سازمان امنیت و همکاری اروپا، نظام ویژه‌ای را در جهت ارتقاء حقوق بشر در کانادا و در راستای تأکید حقوق بشری در تعاملات دو یا چند جانبه پدید آورده است، که به طور مختصر به این روابط با برخی نهادهای اروپایی که از نزدیک‌ترین متحدان کانادا در عرصه بین‌الملل برای پیشبرد حقوق بشر در داخل کانادا و تعاملات دیپلماتیک مبتنی بر حقوق بشر با سایر کشورها می‌باشد، اشاره می‌گردد.

در معاهده‌های تاسیس جامعه اروپا، تشکیل نشست‌های روسای دولت‌ها پیش‌بینی نشده بود، اما در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ چند نشست از این نوع برگزار گردید. در سال ۱۹۷۴، در جریان اجلاس پاریس، مقرر شد که جلسات، حالت نهادین به خود گرفته و نهادی به نام شورای اروپا تشکیل شود. از زمان معاهده ماستریخت، نقش هدایت اصولی و جهت‌گیری کلی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا بر عهده شورای اروپا گذاشته شده است. به علاوه، شورای اروپا همواره بیانیه‌های مختلفی در مورد موضوع‌های بین‌المللی مهم از جمله مباحث حقوق بشری و تروریسم را صادر کرده است. شورای اروپا اولین سازمان سیاسی میان دولت‌های اروپایی است که با هدف مساعدت برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو و به منظور حفظ و همچنین ترویج ایده‌ها و اصول مرتبط با میراث مشترک آنها، تاسیس شده است. افزون بر آن، تعیین خط‌مشی و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری درباره ابتکارهای عمده اروپایی بر عهده شورای اروپا و وظیفه اجرای این سیاست و تصمیم‌ها بر عهده ارگان‌های مدیریتی و اجرایی (کمیسیون اروپا و شورای وزیران) قرار گرفته است. شورای اروپا برای ایجاد اتحاد و همبستگی بیشتر، آزادی را تضمین می‌کند، در نتیجه احترام به حقوق بشر، شرط عضویت در شورا گردید و بدینوسیله سیستمی در جهت کسب ضمانت‌های جمعی حقوق بشر در اروپا سازمان‌دهی گردید. شورای اروپا همچنین به منظور نهادینه کردن دموکراسی و حمایت کامل از حقوق بشر، همکاری نزدیکی با اتحادیه اروپا، اتحادیه اروپایی غربی، سازمان امنیت و همکاری اروپا، سازمان ملل و آژانس‌های تخصصی آن و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و منطقه‌ای فعال در زمینه حقوق بشر، برقرار کرده است. (نیوجنت، ۱۳۹۳، ۴۰۵)

پارلمان اروپا، نهاد دیگری است که پس از معاهده آمستردام (۱۹۹۷)، از موقعیت برجسته‌ای در بین نهادهای اروپایی برخوردار بوده است. پارلمان اروپا، یک نهاد قانون‌گذاری بسیار فعال است که از طریق صدور قطعنامه، تدوین گزارشات، طرح سوالات و مسائلی که در کمیسیون اروپایی عنوان می‌کند، نقش قابل توجهی در شکل‌گیری افکار عمومی در عرصه بین‌المللی ایفا می‌نماید. (عبدخدایی، ۱۳۸۹، ۵۱۸)

پارلمان اروپا، دارای ۲۰ کمیسیون می‌باشد که کمیسیون امور خارجی، حقوق بشر و سیاست خارجی و امنیتی مشترک یکی از مهمترین کمیسیون‌های آن به شمار می‌رود و مباحث حقوق بشری همواره از اولویت‌های آن به حساب می‌آید. شایان ذکر است بخش برجسته این قسمت، جایزه سالانه ساخاروف برای آزادی اندیشه می‌باشد که به افراد یا سازمان‌هایی که در راه دستیابی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مبارزه می‌کنند، اهدا می‌گردد. (کمیته فرعی حقوق بشر پارلمان اروپا، ۲۰۱۴) همچنین کمیته فرعی حقوق بشر پارلمان اروپا در سال ۲۰۰۴ میلادی برپا گردید. این کمیته فرعی، مباحث و جلسات رسیدگی در خصوص همه انواع موضوعات حقوق بشری را برگزار می‌نماید و پس از نتیجه مذاکرات، گزارش‌ها و قطعنامه‌هایی تنظیم و تصویب می‌گردد. گزارش سالانه حقوق بشری در خصوص وضعیت حقوق بشر در سراسر جهان توسط این کمیته فرعی پیش‌نویس و تنظیم می‌گردد. مسئولیت‌های اصلی کمیته فرعی حقوق بشر پارلمان اروپایی شامل موضوعاتی در خصوص حقوق بشر، حمایت از اقلیت‌ها، حمایت از ارزش‌های دموکراتیک در کشورهای جهان سوم می‌باشد، که در این زمینه کمیته امور خارجی توسط کمیته فرعی حقوق بشر همراه می‌شود و بدون هیچ‌گونه تبعیض یا تعصبی، باید همه اعضا کمیته و نهادها با مسئولیت‌هایشان در این خصوص، برای شرکت در نشست‌های این کمیته فرعی دعوت شوند. اقدامات پارلمان اروپا، برای متداول نمودن حمایت از حقوق بشر در اتحادیه اروپا به طور فزاینده‌ای با دیدگاه گفتمان حقوق بشر جهانی قانونی شده‌اند. (بالدوچی، ۲۰۰۸، ۶۱)

کمیسیون اروپا، نهاد دیگری است که معمولاً به عنوان سازمان اداری یا قوه مجریه اتحادیه اروپا دیده می‌شود و در واقع مجری سیاست‌های شورا و مصوبات پارلمان اروپا می‌باشد و از لحاظ میانجی‌گری و مصالحه‌جویی از موقعیت ممتازی برخوردار است و همچنین یکی از دلایلی است که این کمیسیون، به عنوان یک عضو بی‌طرف یاد می‌شود. لذا به نظرات آن با سوءظن و تردید کمتری نگریسته می‌شود و کمیسیون در بهترین موقعیت ارزیابی برای قضاوت افکار عمومی و کشورهای عضو درباره یک طرح یا پیشنهاد قرار دارد. (نیوجنت، ۱۳۹۳، ۳۲۰)

کمیسیون اروپا در این زمینه، نقش منحصر به فرد ارتقاء ثبات در فعالیت‌های اتحادیه و کشورهای عضو در خصوص حقوق بشر را بر عهده دارد. کمیسیون بر اساس دستورالعمل‌های تعیین شده برای آن، از طریق مشارکت در بحث‌های شورا و نظارت بر توسعه وضعیت‌های حقوق بشری در عرصه بین‌المللی، اطمینان حاصل می‌نماید تا اولویت‌های سیاسی اتحادیه و همچنین سیاست خارجی و امنیتی مشترک آن توسط جامعه اروپا منعکس گردد و نقطه نظرات جامعه اروپا نیز در طرح‌ریزی گزارش سالانه شورا در مورد حقوق بشر که از سال ۱۹۹۹ آغاز شده است، لحاظ می‌کند. همچنین تلاش برای برجسته‌سازی متغیر حقوق بشر در روابط سیاسی و تجاری با سایر کشورها، دراول ژانویه ۲۰۰۷ با اتخاذ راهبردی متمرکز از سوی اتحادیه اروپا (پیشنهاد از سوی کمیسیون اروپا) تحت عنوان ابتکار اروپایی برای دموکراسی و حقوق بشر تکامل بیشتری یافت. در این ابتکار اتحادیه اروپا، حتی سخن از کمک‌های مالی به نهادهای مدنی جوامع طرف مقابل به میان آورده، ارتقای حقوق بشر و مفاهیم آن در دولت مقابل را از اهداف اصلی خود برمی‌شمرد و در بیانیه‌ها و تعاملات سیاسی خویش به تشویق سایر بازیگران جهانی مانند شرکت‌های چند ملیتی، برای ایفای نقش در جهت ارتقا احترام به حقوق بشر در سراسر جهان نموده و استفاده از نفوذ خود در کشورهای در حال توسعه، به منظور حمایت از رسیدن آنها به توسعه پایدار می‌نماید. (گلشن پژوه، ۱۳۹۱، ۳۷۸:۱)

دادگاه اروپایی حقوق بشر نهاد دیگری است که شکایات مربوط به نقض حقوق بشر را از طرف دولت‌ها یا افراد مورد رسیدگی قرار می‌دهد. البته سازمان‌های غیردولتی نیز اجازه طرح دعوی در این دادگاه را دارند. (تاموشت، ۱۳۹۱، ۳۶۲)

افزون بر موارد فوق می‌توان از سازمان امنیت و همکاری اروپا نام برد، اگرچه با عنوان یک نهاد حقوق بشری شناخته نمی‌شود اما یک راهکار اجرایی حقوق بشر در این سازمان وجود دارد که عبارت از یک روند چند مرحله‌ای مذاکره، وساطت، کشف حقیقت، مذاکرات دو جانبه-چند جانبه و انجام وظایف کارشناسان و گزارش‌گران سازمان امنیت و همکاری اروپا می‌باشد. همچنین یک نقش مهم در نظارت بر انتخابات در اروپا دارد. (ممتاز، ۱۳۸۲، ۱۳۰)

روابط ویژه و مبتنی بر شراکت استراتژیک کانادا با برخی متحدان خود در دنیای غرب نظیر بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه در این مبحث در تدوین اصول و مواد قانونی حقوق و آزادی‌های کانادا تاثیر شایانی داشته است.

۲-۱ موضع ایالت کبک

کبک از منشور و قانون ۱۹۸۲ کانادا پشتیبانی بعمل نیاورد. این عدم همکاری را عده‌ای به موضع سیاسی استقلال طلبانه حزب کبکی که در آن مقطع قدرت دولت استان را در اختیار داشت مربوط نموده‌اند. رنه لوک، نخست‌وزیر آن دوره کبک طی فرمانی که در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ صادر می‌نماید دلایل خود را از امتناع به پیوستن به اصلاح قانون‌گذاری کانادا اینگونه اعلام می‌نماید: «اگر از این اقدام حمایت شود، تاثیر آن بطور کلی آن خواهد بود که قدرت و حقوق کبک و مجلس ملی آن بدون رضایتش کاهش می‌یابد. از آنجا که همیشه مشخص شده که اصلاحی از این نوع بدون جلب رضایت کبک میسر نمی‌باشد، کبک مصمم است که مخالفت خویش را با راه حل ارائه

شده در تاریخ ۱۸ نوامبر توسط وزیر دادگستری فدرال به مجمع نمایندگان رسماً اعلام نماید. «بعلاوه کبک با حق رفت و آمد و آموزش به زبان اقلیت نیز مخالفت می‌نماید. با این حال، نظر به شمولیت کبک در قانون‌گذاری کانادا، حقوق مندرج در منشور شامل کبک نیز خواهند شد. در اینجا قابل ذکر است که به نظر رند دیک، بعضی از متخصصین معتقدند که درج بند ۲۳ در منشور که حق آموزش به زبان اقلیت را تضمین می‌کند تنها بخشی از منشور بود که تروود واقعاً بر آن اهتمام می‌ورزید. در واقع، بدلیل بند مربوط به حق رفت و آمد و حق زبان است که کانادایی‌های فرانسه‌زبان می‌توانند در سراسر کانادا تردد نموده و از خدمات دولتی و آموزشی به زبان خویش بهره‌مند گردند.

۲-۲ منشور حقوق بشر کانادا، کمیسیون اروپا و ایالات متحده آمریکا

منشور حقوق کانادا از جهاتی منطبق با کنوانسیون اروپا است شاید بدان دلیل که هر دو الهام گرفته از اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشند. از طرف دیگر، منشور تحت تاثیر اعلامیه حقوق آمریکا نیز قرار گرفته است. به همین دلیل، در تفسیر منشور، دادگاه عالی کانادا از هر دو تفاسیر قانون‌گذاری ایالات متحده و دادگاه حقوق بشر اروپا بهره‌مند می‌گردد. همچنین، آزادی بیان در بند ۲ منشور اهمیت بیشتری در مقایسه با اصلاحیه قانون‌گذاری آمریکا می‌یابد. برخلاف آمریکا، دادگاه عالی کانادا بر بعضی از محدودیت‌ها تاکید می‌ورزد بطوری که برای مثال ممنوعیت‌های اعمال شده بر مطبوعات، آنها را از ذکر نام بزه‌کاران جوان باز می‌دارد. همینطور برخلاف منشور حقوق و آزادی‌های افراد کبک و پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، منشور حقوق کانادا چیز زیادی در خصوص حقوق اقتصادی و اجتماعی عنوان نموده و نیازمند به تفسیر از سایر حقوق ذکر شده می‌باشد.

اما در خصوص نقدهای ارائه شده بر منشور، تنها به مقاله اخیر ژان-فیلیپ ال. ریزی اشاره می‌شود. وی به سابقه قضاوت قضات در کانادا همچون سایر مستعمره‌های قدیمی بریتانیا اشاره می‌نماید که بر اساس حقوق عمومی بیشتر متکی بر نوعی رویه قضایی بوده تا بر متنی خاص. به نظر وی، نهاد حکومت تنها نهادی است که خطری واقعی برای حقوق و آزادی‌ها محسوب می‌شود. در حقیقت، تصریح به آزادی‌های فردی اهمیتی ندارند چرا که طبیعتاً در جامعه موجودند، پس تنها کفایت که از تعدی حکومت به آن ممانعت کرد.

۳- الگوی رفتاری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق بشر

سرعت و دامنه تحولات اساسی در عرصه بین‌المللی، بازیگران اصلی سیاست خارجی کشورها را ناچار می‌سازد که به منظور تعقیب منافع ملی خود، ارزیابی مستمر و مداومی از جایگاه کشور خود در نظام بین‌الملل به عمل آورند و راهبردها و راهکارهای مناسبی را تدبیر کنند. نقش آفرینی کانادا در صحنه بین‌المللی از مهمترین تحولات است و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از عمده‌ترین بازیگران منطقه خلیج فارس، از این تحولات تاثیر می‌پذیرد و همانند سایر بازیگران، به دنبال جلب منافع خود از رهگذر اثر گذاری بر ساختارهای نظام در حال تکوین است. ترکیب دولت فدرال کانادا، تشکیل دهنده یک بلوک قدرتمند سیاسی، اقتصادی، تجاری، مالی، علمی و صنعتی است که به عنوان کشوری ثروتمند و تاثیرگذار در سطح بین‌الملل مطرح می‌باشد. لذا کانادا دارای یک پتانسیل قوی جهت رایزنی در عرصه بین‌الملل می‌باشد. (خالوزاده، ۱۳۸۲، ۳۷)

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رفتار کانادا در قبال ایران با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. در ارتباط با روابط حقوق بشری کانادا با ایران، می‌توان چهار دوره نظیر دوره تقابل خاموش، دوره گفتگوهای انتقادی، دوره گفتگوهای جامع و دوره تعلیق گفتگوهای جامع را در نظر گرفت. جمهوری اسلامی ایران و کانادا به علت قرارگرفتن در دو حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت، فاقد مبانی یک رابطه‌ی استراتژیک هستند، اما جایگاه کانادا در نظام بین‌المللی و همچنین نقش و جایگاه منطقه‌ای و راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت‌های متقابلی را برای برقراری یک رابطه تقویت شده با کانادا به وجود می‌آورد. جمهوری اسلامی ایران از نظر راهبردی در مرکز ذخایر انرژی جهان واقع است و طولانی‌ترین سواحل را با حوزه منابع انرژی در دریای خزر دارد. همچنین از نظر موقعیت مرکزی، به دلیل واقع شدن در بین دو قاره آسیا و اروپا و نیز قرارگرفتن در میان کشورهای آسیای مرکزی و حوزه قفقاز در شمال و کشورهای حوزه خلیج فارس در جنوب و واقع شدن در قلب ۷۵ درصد مجموع ذخایر نفت و گاز و انرژی، موقعیتی بی‌نظیری در حمل و نقل کالا و ترانزیت انرژی دارد. (صادقی، ۱۳۹۲، ۱۶۰)

کانادا همواره تلاش کرده است که از طریق تعمیق روابط خود با ایران و برخی دیگر از کشورهای منطقه، حضور و نفوذ خود را در کل منطقه افزایش دهد. بنابراین تنظیم روابط با ایران از اهمیت اساسی برای کانادا برخوردار می‌باشد. از ابتدای دهه ۹۰، با توجه به متغیرات و تحولات بین‌المللی، نظیر فروپاشی بلوک شرق، حذف پیمان ورشو، پایان جنگ سرد، پیوستن کشورهای بلوک شرق به اتحادیه اروپا و ناتو، دکترین نظم نوین جهانی آمریکا و تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر، کانادا مایل است روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران از نو تعریف کند. البته در این روند عوامل بازدارنده و محدودیت‌زایی مانع از گسترش روابط میان جمهوری اسلامی ایران و کانادا شده است. برنامه

هسته‌ای ایران، اختلاف نظرهای کانادا و ایران در خصوص موضوعاتی مانند تروریسم، رویکرد غرب در تحولات خاورمیانه و حقوق بشر از جمله موانع بسط و گسترش روابط بین دو طرف بوده است. روابط جمهوری اسلامی ایران و کانادا بر اساس یک آهنگ منظم، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی شده پیشرفت نکرده است و احتمال کندی یا توقف آن وجود دارد. با توجه به اختلاف نظری که بین جمهوری اسلامی ایران و کانادا بر سر برخی مسائل مانند حقوق بشر، صلح خاورمیانه، حق برخورداری از انرژی هسته‌ای و غیره وجود دارد، هریک از این اختلاف‌ها می‌تواند مانع پیشرفت در روابط گردد. در واقع عدم درک متقابل، نقش تعیین‌کننده‌ای در عدم نهادینه شدن روابط میان ایران و کانادا را دارد. به بیان دیگر، توجه به اهمیت بهسازی تصویرها و برداشتها در روابط ایران و کانادا که تحت تاثیر موضوعات سنتی موجود در دستور کار گفتگوهای فیما بین قرار دارد، برای فضا سازی مجدد و اعتماد سازی متقابل بین دو طرف از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. لازم به ذکر است، کانادا همکاری‌های تجاری با ایران را به مسائل سیاسی پیوند زده است. قبلاً رفتار کانادا در قبال ایران در مورد مسائل اقتصادی با آمریکا متفاوت بود و کانادا تحریم‌های اقتصادی آمریکا را نادیده می‌گرفتند و شروع به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران می‌کردند. اما اکنون رفتار کانادا در مسائل اقتصادی نیز تغییر کرده است. به عنوان مثال کانادا امضای موافقت‌نامه همکاری و تجارت با ایران را موکول به بهبود و تغییر رفتار ایران نسبت به مسائل یاد شده، (حقوق بشر، خلع سلاح، تروریسم و برخی مسائل منطقه‌ای از قبیل صلح خاورمیانه) نموده است. انعقاد موافقت‌نامه تجارت و همکاری با کانادا در ارتباط مستقیم با مذاکرات سیاسی است و کانادا بخصوص در دهه اخیر همواره بیان داشته است، که چنانچه گفتگوهای اقتصادی بخواهد منجر به تعمیق روابط با ایران بشود، باید در ارتباط نزدیک، موازی و همزمان با گفتگوهای سیاسی پیش برود و مسائلی مانند موضوعات حاکمیت قانون، حقوق بشر نظیر حقوق اقلیت‌ها، آزادی بیان و... دارای اهمیت و اولویت وافر برای کانادا بوده و پیشرفت آن، در ارتباط با پیشرفت مذاکرات اقتصادی- تجاری است و بدون پیشرفت در این مسائل، انعقاد موافقت‌نامه اقتصادی عملی نخواهد بود. باید توجه داشت که گسترش روابط با کانادا آسان نخواهد بود و یک روند زمان‌بر و پرفرازونشیب می‌باشد که در این راستا اعتماد سازی، اهمیت بسزایی در بهبودی و گسترش روابط دارد. کانادا در حال توانمند شدن و تقویت ساختارهای داخلی خود بود. اگر چه کشورهای غربی به ویژه کانادا در بسیاری از موارد به خصوص در موضوعات سیاست خارجی و امنیتی مشترک با دیگر اجماع نداشتند، اما در خصوص ایران با توجه به تقارن منافع در بین اعضا یکپارچگی و اشتراک نظر دیده می‌شود. به منظور ارزیابی سیاست حقوق بشری کانادا در قبال جمهوری اسلامی ایران، مجموعه‌ای از اسناد صادره از سوی کانادا شامل (قطعنامه، بیانیه، اعلامیه و گزارشات) وجود دارد که مشخصاً توسط پارلمان و کمیسیون اروپا صادر شده‌اند و در ادامه مورد مطالعه قرار گرفته است.

۳-۱- پارلمان کانادا و حقوق بشر در ایران

پارلمان کانادا، یکی از نهادهای فعال در زمینه انتقادات حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران بوده و همواره از طریق صدور قطعنامه و تدوین گزارشات نقش مهمی در منفی نمودن افکار عمومی در عرصه بین‌المللی ایفا نموده و همچنین به طور غیر مستقیم بر قطعنامه‌های سازمان ملل تاثیر گذار بوده است.

قطعنامه‌ای از سوی پارلمان کانادا با عنوان "مجازات اعدام" علیه جمهوری اسلامی ایران، مورد تصویب قرار گرفت. این قطعنامه شامل ۲۲ بند بوده و حول محورهایی مرتبط با رویه محکومیت قانونی و مجازات اعدام در کشور ایران می‌باشد. این قطعنامه، مصوبه حقوق بشری علیه ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۲۰۱۲ به بعد که هر ساله علیه ایران تصویب می‌شود را مورد تاکید قرار داده و از میزان اعدام‌ها در اظهار نگرانی عمیقی نموده است. همچنین مجازات اعدام کودکان را بر طبق قوانین بین‌الملل، ماده ۶ (بند ۵) میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و حقوق کودک ممنوع دانسته است. قطعنامه ادعا کرده حداقل ۱۳۰ مورد محکومیت به اعدام در ایران از سال ۲۰۱۲ به بعد گزارش شده، که برخلاف تعهدات بین‌المللی دولت ایران می‌باشد. همچنین قطعنامه‌ای از سوی پارلمان کانادا علیه جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۲ با عنوان "وضعیت اقلیت‌های قومی" منتشرگشت. این قطعنامه شامل ۲۰ بند بوده و موارد نقض حقوق بشر از قبیل منع آزادی بیان، عقیده و اجتماعات و منع برخورداری از حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در بین اقلیت‌های بهایی و صوفی را بیان نموده و آن را محکوم کرده است.

افزون بر موارد فوق، پارلمان کانادا قطعنامه‌ای تحت عنوان "استراتژی کانادا نسبت به جمهوری اسلامی ایران" در تاریخ ۲۰ مارس ۲۰۱۵ صادر و پس از تصویب نهایی به دولت کانادا ابلاغ نمود. این قطعنامه حول محورهایی شامل مسئله هسته‌ای، چشم‌انداز مناسبات ایران با کانادا، مسائل منطقه‌ای و حوزه حقوق بشر می‌باشد که در ۲۳ بند تنظیم گردیده است. کانادا در این قطعنامه موارد نقض‌های حقوق بشری در ایران نظیر ممنوعیت آزادی بیان و عقیده، ممنوعیت آزادی اطلاعات، ممنوعیت آزادی اجتماعات، ممنوعیت آزادی جنبش‌های مدنی، نقض حقوق زنان، مجازات اعدام، محاکمات ناعادلانه و قوانین کیفری، تبعیض‌های جنسیتی و گرایش‌های جنسی اظهار نگرانی شدید کرده و از مقامات ایرانی می‌خواهد همه مدافعان حقوق بشر، زندانیان سیاسی، فعالان اتحادیه صنفی و کارگری و

دستگیرشدگان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ در ایران را آزاد نماید و همچنین در رابطه با شمار زیاد اعدام‌ها (به ویژه بهائیان) در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ هشدار می‌دهد. افزون بر آن، کانادا معتقد است انتخابات ۲۰۱۳ ریاست جمهوری ایران مطابق با استانداردهای دموکراتیک، مد نظر آنان برگزار نگردیده و به اعلامیه‌ای مصوب در مورد معیار انتخابات آزاد و سالم در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۹۴ در اتحادیه بین‌المجالس که دولت ایران نیز یکی از اعضای آن می‌باشد، اشاره می‌نماید. پارلمان کانادا در این قطعنامه، تاکید می‌نماید در کلیه روابطش با ایران مسئله حقوق بشر را در اولویت قرار خواهد داد و همچنین از کانادا می‌خواهد گفتگو درباره حقوق بشر با جمهوری اسلامی ایران را در ارتباط با مسائل قضایی و امنیتی آغاز نماید. از نکات مثبت این قطعنامه، استقبال از طرح دکتر روحانی برای تنظیم منشور حقوق شهروندی و استقبال از آمادگی دولت ایران برای برقراری روابط شفاف و سازنده‌تر با غرب را می‌توان برشمرد. البته متذکر می‌شود که حقوق شهروندی باید کاملاً با تعهدات بین‌المللی ایران به ویژه عدم تبعیض و حق حیات، ترویج ممنوعیت شکنجه، تضمین آزادی کامل مذاهب و تضمین آزادی بیان منطبق باشد و معتقد است هم اکنون این حقوق با تعریف مبهم جرائم مرتبط با امنیت ملی محدود شده است. (قطعنامه ۲۰ مارس ۲۰۱۵ پارلمان کانادا علیه ایران، ۲۰۱۵)

۴- الگوی رفتاری کانادا در قبال عربستان سعودی از منظر حقوق بشر

کانادا و منطقه خاورمیانه خصوصاً کشورهای حاشیه خلیج فارس از گذشته پیوندهای عمیق اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی با یکدیگر داشته‌اند. هر چند، کانادا نسبت به بازیگری در زمینه امنیت در خاورمیانه شدیداً محدود گردیده اما می‌تواند به لحاظ اقتصادی و عمدتاً استراتژی امنیتی، نفوذ گسترده‌ای را در منطقه به دست آورد، گرچه این نفوذ خود موقوف به ثبات است. از سویی کانادا یک بلوک تجاری پر تنوع می‌باشد که به شکل گسترده‌ای به صدور محصولات ساخته شده وابسته است، در حالی که اقتصاد کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس تحت سلطه بخش انرژی است. در واقع، نفت و نفت خام ۹۵ درصد از صادرات کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را تشکیل می‌دهد. (صالح، ۱۹۹۹، ۸۹)

در سال ۱۹۸۸، کانادا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، به منظور گسترش همکاری‌ها، وارد مذاکراتی شدند و این گفتگوها منجر به توافقنامه همکاری بین کانادا و شورای همکاری خلیج فارس شد که این توافقنامه در ۲۵ فوریه ۱۹۸۹ امضاء و در سال ۱۹۹۰، وارد مرحله عملی گردید. بر اساس توافقنامه کانادا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، همکاری‌های دوجانبه در زمینه انرژی، صنعت، تجارت، سرمایه‌گذاری، کشاورزی، علوم و فناوری صورت می‌پذیرد. (کلمبو و کمپتری، ۲۰۱۳، ۵) علاوه بر آن، کانادا در سال ۱۹۹۵ موفق به گرد هم آمدن کشورهای منطقه خاورمیانه شد. هدف اصلی این ابتکار بنیان‌گذاری یک منطقه اقتصادی بود. بر مبنای این طرح کانادا در جهت ایجاد یک منطقه آزاد تجاری و منطقه‌ای با ثبات بر مبنای اصول دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و توسعه مبادلات فرهنگی- انسانی تلاش خواهند کرد. به نظر می‌رسد نگرانی کانادا در این منطقه بیشتر بر روی ساختار اقتصادی متمرکز می‌شود. (اچاگو، ۲۰۰۷، ۳۹)

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی، علاوه بر همکاری‌های سیاسی، اقتصادی- تجاری از نقطه نظر نظامی نیز با کانادا همکاری دو جانبه و گسترده‌ای دارند. در این مقاله سیاست حقوق بشری کانادا در قبال عربستان سعودی مورد بررسی قرار می‌گیرد. عربستان سعودی جزء آن دسته از کشورهایی است که با وجود نقض آشکار حقوق بشر و استانداردهای بین‌المللی تا کنون توانسته است از بررسی دقیق نقض حقوق بشر توسط نهادهای بین‌المللی نجات یابد. نقض حقوق بشر در عربستان که یک نظام سلطنت مطلقه است، بسیار رایج و فراگیر می‌باشد. به رغم فشارهای بین‌المللی و داخلی برای اجرای اصلاحات، پیشرفت‌ها در این زمینه، کند و ناکافی بوده است. بسیاری از حقوق اولیه تحت قوانین این کشور به رسمیت شناخته نشده‌اند، احزاب سیاسی اجازه فعالیت نداشته و آزادی بیان به شدت محدود است. مهمترین موارد نقض حقوق بشر در عربستان شامل مجازات اعدام، نظام حقوقی و محاکمه‌های ناعادلانه، وضعیت نامطلوب کارگران مهاجر، ممنوعیت آزادی بیان و عقیده، ممنوعیت آزادی مطبوعات، ممنوعیت آزادی اقلیت‌ها و تبعیض علیه زنان می‌باشد. یکی از موارد نقض حقوق بشر از سوی دولت عربستان، نقض حقوق کارگران مهاجر خارجی در این کشور است. اکثر مهاجرین خارجی از کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا مانند هند، سریلانکا، بنگلادش، اندونزی و فیلیپین هستند اما تعداد قابل ملاحظه‌ای هم از این کارگران از کشورهای مصر و سودان مهاجرت کرده‌اند. اغلب این کارگران مهاجر، با شرایط سخت کاری روبه رو می‌شوند، یعنی ۱۲ الی ۱۶ ساعت کار روزانه که بدون دسترسی به غذا و نوشیدنی بوده و گاهی اوقات تا ماه‌ها دستمزدی هم دریافت نمی‌کنند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۸، ۲۳۹)

از دیگر موارد مهم نقض حقوق بشر در این کشور، نقض و تبعیض آشکار علیه زنان می‌باشد، که از محدودیت‌های شدیدی رنج می‌برند. بسیاری از سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی معتقدند، زنان در عربستان مورد تبعیض بوده و در خانواده به نحو خشونت‌آمیزی با آنها رفتار

می‌شود. از لحاظ شغلی نیز، زنان، برای کار در خارج از خانه با محدودیت‌های زیادی مواجه هستند و دولت نیز اعلام کرده تنها زمانی به شمار نیروهای شاغل زن افزوده خواهد شد که به کار آنان نیاز باشد. (گلشن پژوه، ۱۳۸۸، ۱۶۲)

کشور عربستان سعودی تنها کشوری است در جهان که به زنان اجازه رانندگی داده نشده است، اگر چه قانون رسمی جهت منع رانندگی وجود ندارد و تنها توسط وزراء در عربستان در سال ۱۹۹۰ رسمی و قانونی شده و زنانی که قصد رانندگی داشته باشند، دستگیر می‌شوند. آزادی مذهب از موارد دیگری است که در عربستان سعودی نقض می‌شود و پیروان اقلیت‌های مذهبی در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند. محدودیت‌های مذهبی در این کشور بر شهروندان سعودی و تبعه خارجی به طور یکسان اعمال می‌شود و هر گونه ابراز وابستگی یا تعلق به ادیان دیگر ممنوع است، به غیر از فرقه وهابیون که از شاخه‌های حنبلی اهل تسنن است. لازم به ذکر است از یک طرف عربستان سعودی نقش مهمی را در اشاعه و ارتقاء تفسیر شدید سلفی‌گری و وهابی بازی می‌کند و از طرف دیگر بسیاری از سازمان‌های تروریستی مانند القاعده از گروه سلفی‌گران و وهابیون می‌باشند. (قطعنامه ۱۱ مارس ۲۰۱۴ پارلمان اروپا علیه عربستان، ۲۰۱۴)

در این میان، جمعیت شیعه این کشور از تبعیض علیه مسائل مربوط به مذهب و فرهنگ خود رنج می‌برد و این تبعیض به حوزه‌های دیگر نیز مانند اشتغال در بخش خصوصی، آموزش و عدم دسترسی به مناصب قضایی، نیروهای امنیتی و نظامی سرایت پیدا کرده است. در این کشور هیچ سازمان حقوق بشر بین‌المللی حق پژوهش یا درخواست اطلاعات در زمینه حقوق بشر را ندارد. دولت در این کشور کنترل شدیدی بر همه ابزار رسانه‌ها داشته و دسترسی به اینترنت، ماهواره تلویزیونی و سایر راه‌های ارتباط با دنیای خارج را سانسور کرده و تحت کنترل خود دارد. همچنین آزادی بیان، آزادی فضای مجازی و اینترنتی، آزادی رسانه‌ها و مطبوعات از موارد نقض حقوق بشر در عربستان می‌توان نام برد. در رابطه با اعدام، عربستان یکی از بالاترین آمارها در گزارش‌های جهانی در زمینه مجازات اعدام بوده است. اعدام در عربستان عبارت از قطع سر در ملا عام برای مردان و بستن به جوخه اعدام یا قطع سر در برخی موارد در ملا عام برای زنان می‌باشد. همچنین افراد متهم به زنای محصنه نیز تا حد مرگ سنگسار شده و در برخی موارد پس از مرگ نیز، مصلوب می‌شوند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۸، ۲۴۰)

افزون بر آن، در خصوص مجازات اعدام، نوجوانان مجرم زیر ۱۸ سال هم در لیست افراد اعدامی مشاهده می‌شود. به گزارش کانادا مجازات اعدام در عربستان سعودی در خصوص محکومین با جرمهای مختلف اجرا می‌شود، تعداد اعدام شدگان در سال ۲۰۱۳ حداقل ۲۴ نفر، سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ حداقل ۸۰ نفر، ۲۰۱۰ تقریباً سه برابر (نسبت به سال ۲۰۱۲) بوده که بیشترین آمار شامل اقلیت‌ها و افراد خارجی می‌باشد. به علاوه این کشور یکی از نادرترین کشورهایی است که مجازات اعدام را در ملاعام انجام می‌دهد و گزارش‌هایی هم از اعدام زنان از طریق سنگسار شدن رسیده که این نوع شکل از شکنجه و مرگ، تداعی‌کننده زمان بربریت می‌باشد. (قطعنامه ۱۱ مارس ۲۰۱۴ کانادا علیه عربستان، ۲۰۱۴)

یکی دیگر از موارد نقض حقوق بشر در عربستان شکنجه و سوء رفتار نسبت به زندانیان می‌باشد. قطع عضو، شکنجه، شلاق زدن، رفتار غیرانسانی و بی‌رحمانه روال عادی در نظام مجازات‌های کیفری عربستان محسوب می‌شود. نظام قضایی و کیفری عربستان اعمال شکنجه را تسهیل می‌کند. فقدان نظارت قضایی بر مراحل مختلف بازداشت و محاکمه و منع ارتباط متهمان با اعضای خانواده، پزشک و وکیل، آنها را به شدت مورد شکنجه و سوء رفتار قرار داده است. از نمونه‌های رایج آزار و اذیت و سوء رفتار در این کشور، ضرب و شتم با ترکه، محرومیت از خواب، شوک الکتریکی، سوزاندن با سیگار و کشیدن ناخن می‌باشد. جرائم مرتبط با مشروبات الکلی، شکستن هنجارهای اخلاقی از نمونه‌های مستحق مجازات شلاق در عربستان می‌باشد. همچنین بریدن دست و پا در مواردی مانند دزدی و سرقت از موارد دیگری است که به سوء رفتار منتهی می‌شود. (گزارش عفو بین الملل، ۲۰۰۸، ۲۰۱۴)

از موارد دیگر نقض حقوق بشر در عربستان، وضعیت نامطلوب کارگران مهاجر خارجی و همچنین زنان به عنوان کارگران خانگی می‌باشد، که در معرض خطر خشونت‌های فیزیکی و سوءاستفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند. کانادا از مقامات عربستان می‌خواهد که هر چه سریعتر اصلاحات قوانین کار صورت پذیرد و سیستم کفالت (ضبط گذرنامه و کلیه اسناد مسافرتی کارگران مهاجر) کلاً منسوخ گردد. کار و فعالیت سازمان‌های حقوق بشری در عربستان سعودی توسط مقامات به شدت محدود شده و فقط مراکز خیریه تنها شکلی از سازمان‌های مدنی در عربستان هستند که اجازه فعالیت دارند. با فشارهای سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، سه سازمان غیردولتی در حوزه فعالیت حقوق بشر از سال ۲۰۰۰ تا کنون در عربستان سعودی تاسیس شده‌اند که عبارت است از: انجمن ملی حقوق بشر سعودی، انجمن حقوق سیاسی، مدنی سعود و اولین انجمن حقوق بشر تنها انجمن ملی حقوق بشر سعودی دارای اساسنامه قانونی است. دولت سعودی به سازمان‌ها اجازه کار و فعالیت را به طور کاربردی و عملیاتی نمی‌دهد، در واقع هیچ از مراکز حقوق بشری دارای ضمانت اجرایی نبوده و فاقد استقلال رای می‌باشند. (الهرگان، ۲۰۱۲، ۷)

لازم به ذکر است کشور عربستان سعودی، مانند سایر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس درگیر یک چالش ساختاری، میان رشد سریع اقتصادی و متقابلاً عدم توسعه سیاسی و نقض موازین بین‌المللی حقوق بشر، عدم توسعه ساختار دموکراتیک و عدم ارتقای حقوق بشر

بوده است. این در حالی است که عربستان سعودی بر اثر فشارهای بسیار زیاد محافل بین‌المللی، کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان را با حق شرط‌هایی در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۰۴ و کنوانسیون بین‌المللی رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون منع شکنجه و کنوانسیون حقوق کودکان را به تصویب رسانده و همچنین به عنوان یک عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ انتخاب گردیده است. به منظور ارزیابی سیاست حقوق بشری کانادا در قبال عربستان سعودی، انتقادات حقوق بشری اتحادیه اروپا در قالب (قطعه‌نامه، بیانیه، اعلامیه و گزارشات) وجود دارد که مشخصاً توسط پارلمان کانادا صادر شده‌اند.

۴-۱- پارلمان کانادا و حقوق بشر در عربستان سعودی

پارلمان کانادا قطعه‌نامه‌ای، با عنوان "روابط کانادا و شورای همکاری خلیج فارس" در تاریخ ۱۴ جولای ۲۰۱۱ تصویب نمود. این قطعه‌نامه اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس را مورد تأکید قرار داده و همچنین به تداوم همکاری میان کانادا و کشورهای شورای خلیج فارس در زمینه اقتصادی، آموزشی و تجارت آزاد تأکید دارد. در ضمن مباحثی نظیر وضعیت کارگران مهاجر، کارگران خانگی، اصلاح قوانین قضایی-کیفری و اصلاح قوانین کار را در زمینه وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی را یادآور می‌شود. (قطعه‌نامه ۱۴ جولای ۲۰۱۱ کانادا علیه عربستان)

همچنین پارلمان کانادا در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۴ قطعه‌نامه‌ای را علیه عربستان سعودی تحت عنوان "ارتباط عربستان سعودی با کانادا و نقش آن در خاورمیانه و شمال آفریقا" تصویب نمود. این قطعه‌نامه موضوعاتی از قبیل توافقنامه تجارت آزاد، توافقنامه همکاری کانادا-شورای همکاری خلیج فارس و مباحث حقوق بشری را در بر می‌گیرد. قطعه‌نامه مذکور دارای یک مقدمه و ۴۹ بند می‌باشد، که مباحث و موضوعات حقوق بشری بیشترین موارد آن را دربر گرفته است. کانادا در این قطعه‌نامه در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر در عربستان سعودی نظیر بازداشت‌های خودسرانه، حبس زندانیان عقیدتی و مدافعان حقوق بشر، مجازات اعدام، سنگسار، اعدام متخلفان نوجوان زیر ۱۸ سال، شکنجه زندانیان و بازداشت‌شدگان، محاکمه غیرعادلانه قضایی، منع ازدواج کودکان (حداقل سن ازدواج)، منع آزادی بیان، منع آزادی رسانه‌ها، مطبوعات و شبکه اجتماعی مجازی به شدت احساس نگرانی می‌کند. کانادا، از مقامات حکومت عربستان می‌خواهد که به عنوان عضوی از شورای حقوق بشر سازمان ملل به اصول حقوق بشر و دموکراسی احترام و ارزش نهاده و چندین سند مهم حقوق بشر مانند منشور حقوق بشر عرب، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع شکنجه و کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان را محترم بشمارند و اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری را امضا و تصویب نماید. همچنین سیستم قضایی بر مبنای قوانین شریعت‌شان را از طریق آشنایی با استانداردهای بین‌المللی از جمله فرایند دستگیری، حبس، محاکمه و حقوق زندانیان، بهبود و ارتقا بخشند. در این قطعه‌نامه کانادا به این نکته اشاره دارد که با توجه به اصلاحات تدریجی و متوسطی که از سال ۲۰۰۱ در عربستان انجام پذیرفته، اما از آنجایی که آن اصلاحات هنوز نهادینه نشده‌اند، به آسانی می‌توانند به حالت قیل بازگردند. ضمناً بیان می‌کند سابقه حقوق بشر در این کشور تاریک بوده و یک شکاف اساسی بین تعهدات بین‌المللی و اجرایی شدن آنها در عربستان وجود دارد. همچنین علیرغم اینکه از دفتر کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل، به همه دولت‌ها مبنی بر تمدید دعوتنامه رسمی به گزارشگران ویژه ابلاغ شده بود، مقامات عربستان سعودی دعوتنامه گزارشگر ویژه سازمان ملل در ارتباط با موضوع شکنجه و مدافعان حقوق بشر را ارسال ننموده‌اند. (قطعه‌نامه ۱۱ جولای ۲۰۱۱ پارلمان کانادا علیه عربستان، ۲۰۱۱)

شایان ذکر است قطعه‌نامه‌ای از سوی پارلمان کانادا در طی سال ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۳ با توجه به تمرکز بازه زمانی در این مقاله، علیه عربستان سعودی در ارتباط با موضوع حقوق بشر منتشر نگردیده است، اما در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۶، پارلمان اروپا قطعه‌نامه‌ای تحت عنوان وضعیت حقوق زنان در عربستان سعودی، در هشت بند تصویب گشت.

۴-۲- دولت کانادا و حقوق بشر در عربستان سعودی

انتقادات کانادا علاوه بر قطعه‌نامه، در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر در عربستان سعودی در قالب گزارشات سالانه، بیانیه و اعلامیه نیز منتشر می‌شود. در اینجا می‌توان به ۷ مورد بیانیه از سوی نماینده عالی رتبه کانادا، در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی طی سالهای ۲۰۰۸ تا کنون اشاره نمود که عبارت است از: مجازات اعدام (۲۴ می ۲۰۱۳)، اعدام ۷ جوان سعودی به جرم سرقت مسلحانه- (۱۳ مارس ۲۰۱۳)، اعدام کارگر مهاجر سریلانکایی، ریزنا نافیک (۱۰ ژانویه ۲۰۱۳)، شرکت سیاسی زنان (۲۶ سپتامبر ۲۰۱۱)، اعتراض رانندگان زن (۲۳ ژوئن ۲۰۱۱)، مجازات مرگ و اعدام (۱۱ دسامبر ۲۰۰۹)، اعدام ۳ شهروند خارجی (۶ نوامبر ۲۰۰۹).

کانادا به طور سالیانه گزارشی، تحت عنوان "گزارش سالانه حقوق بشر و دموکراسی در جهان" را تدوین می‌کند. در این گزارش کلیه مباحث و موارد نقض حقوق بشری در سراسر جهان و همچنین فعالیت‌ها و اقدامات کانادا در این زمینه را منتشر می‌نماید. در این مقاله نکات مهم و برجسته این گزارشات در ارتباط با کشور عربستان سعودی، از سال ۲۰۰۸ تا کنون مورد توجه قرار می‌گیرد. در گزارش

سالانه ۲۰۱۲ حقوق بشر و دموکراسی کانادا در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی، کانادا نقض موارد حقوق بشر در عربستان اعم از مجازات اعدام، تبعیض آشکار حقوق زنان، عدم آزادی بیان و مطبوعات را محکوم می‌کند و طبق این گزارش کشور عربستان یکی از کشورهای است که بالاترین میزان اعدام را در سراسر جهان در طی این سال دارد. همچنین در این گزارش آمده است: "برای اولین بار زنان در سال ۲۰۱۲، واجد شرایط به منظور شرکت در شورای مشورتی عربستان شناخته شدند و ۳۰ کرسی از مجموع ۱۵۰، نیز به آنان اختصاص داده شد. همچنین به زنان، اجازه حق رای در انتخابات شهرداری ۲۰۱۵ داده شد." با این وجود در انتخابات شهرداری ۲۰۱۵ عربستان سعودی، نیمی از اعضا، توسط فرایند انتخاباتی از طریق آراء انتخاب خواهند شد و نیمی دیگر صرفاً توسط پادشاه سعودی منصوب می‌شوند. (گزارش سالانه ۲۰۱۲ پارلمان کانادا، ۱۷۱)

همچنین در گزارش سالانه ۲۰۱۱ پارلمان کانادا آمده است: میزان اعدام‌ها در سال ۲۰۱۱ در عربستان سعودی افزایش یافته و حتی در میان آمار اعدام شدگان، افرادی با جرم‌هایی در ارتباط با مواد مخدر و جادوگری نیز مشاهده شده است. از مقامات دولت عربستان خواسته شده تا در ارتقاء آزادی‌های اساسی حقوق بشر به ویژه آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب و عقیده، آزادی اجتماعات بکوشد و همچنین به حقوق زنان و حقوق کودک در کشور احترام بگذارد و اصلاحاتی را در ارتباط با قانون کار و بهبود وضعیت کارگران مهاجر انجام دهد. (گزارش سالانه ۲۰۱۱ پارلمان کانادا، ۲۲۸)

در گزارش سالانه حقوق بشر و دموکراسی کانادا در سال ۲۰۱۰، کانادا سه مورد نقض حقوق بشر را به عنوان مهمترین موارد نقض در عربستان سعودی اعم از مجازات اعدام، حقوق زنان و اصلاحات قضایی برمی‌شمارد. کانادا در این گزارش از اصلاحاتی از سوی حکومت در ارتباط با حقوق زنان و حقوق کودکان استقبال می‌کند و عنوان می‌کند اگر چه شروع اصلاحات از سطح بسیار پایینی برخوردار است اما نسبت به چند سال گذشته به این موارد از سوی حکومت توجه شده است. (گزارش سالانه ۲۰۱۰ پارلمان کانادا، ۱۳۶)

همچنین در گزارش سالانه حقوق بشر و دموکراسی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ کانادا، نگرانی خود را به وضعیت حقوق بشر در عربستان اعلام می‌کند و مجازات اعدام، نقض حقوق زنان و ممنوعیت آزادی مطبوعات را محکوم کرده و از مقامات سعودی می‌خواهد فوراً مجازات اعدام متخلفان زیر ۱۸ سال را متوقف سازند و اشاره می‌کند که مجازات اعدام سال‌های طولانی است که بر مجرمین در عربستان اعمال می‌شود و در میان اعدامین، افرادی با جرم‌های قاچاق مواد مخدر و گرایش‌های جنسی نیز مشاهده می‌شود که برخلاف تعهدات، استانداردهای بین‌المللی و قوانین حقوق بین‌الملل می‌باشد. (گزارش سالانه ۲۰۰۹-۲۰۰۸ پارلمان کانادا، ۱۵۰)

با وجود گزارش، بیانه، اعلامیه و قطعنامه‌های مختلف از سوی وزارت امور خارجه کانادا، پارلمان و دولت فدرال کانادا در ارتباط با نقض حقوق بشر در عربستان سعودی، همچنان همکاری دوجانبه‌ای میان کانادا و عربستان سعودی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری و نظامی وجود دارد و کانادا، دولت عربستان سعودی را شریک اصلی تجاری خود در این منطقه می‌داند. همچنین تعداد زیادی از شرکت‌های کانادا، از بزرگترین سرمایه‌گذاران، به ویژه در زمینه صنعت نفت در عربستان سعودی می‌باشند و این کشور مهمترین بازار برای صادرات کالاهای صنعتی کانادا در زمینه دفاعی، حمل و نقل، پزشکی و صنعت خودرو می‌باشد. همچنین کانادا اقدام به برنامه‌ریزی در جهت تشدید وابستگی متقابل اقتصادی با منطقه خاورمیانه بالاخص حاشیه خلیج فارس نموده است تا به این ترتیب هیچ دولتی در منطقه، روابط خوب خود را با جامعه کانادا بر سر یک منازعه منطقه‌ای به خطر نیندازد. (وون لئون ۱۹۹۹، ۸)

به نظر می‌رسد، نقض آشکار حقوق بشر در عربستان سعودی، خللی در روابط کانادا با این کشور در زمینه مسائل سیاسی، اقتصادی-تجاری و نظامی وارد نموده و همچنین موضوع حقوق بشر در ادامه همکاری با عربستان سعودی در اولویت روابط دیپلماتیک کانادا قرار نمی‌گیرد و به عنوان متغیر اصلی، کلیه روابط را دستخوش سیر تغییرات قرار نمی‌دهد. از یک طرف، طبق گزارش سالانه حقوق بشر ۲۰۱۱ کانادا، در عربستان سعودی، حداقل‌های استانداردهای حقوق بشری رعایت نمی‌شود. از طرفی دیگر، طبق ماده ۲ منشور حقوق و آزادی‌های کانادا، کانادا بر اساس احترام به شان، آزادی، دموکراسی، برابری، قوانین حقوقی و احترام به حقوق بشر پایه‌گذاری شده است و علاوه بر این، کانادا مایل به پیاده نمودن این ارزش‌ها در روابط دیپلماتیک خود می‌باشد. در اینجا این تناقض آشکار را می‌توان مشاهده نمود، که کانادا با کشوری که دارای نازل‌ترین استانداردهای حقوق بشری است، بالاترین سطح روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی را برقرار نموده است و ارزشهای حقوق بشری در جایگاهی پایین‌تر از سطح تعاملات دوجانبه قرار دارد. همچنین کانادا با وجود کشتار و سرکوبی شدید مخالفین و غیرنظامیان توسط ارتش بحرین و عربستان سعودی، تغییر و نوسانی در مناسبات خود با کشور عربستان ایجاد ننمود و اولویت حقوق بشر در روابط دیپلماتیک کانادا و کشورهای این منطقه کم رنگ بنظر می‌رسد. کانادا در سال ۲۰۱۲ بیشترین میزان صادرات اسلحه و جنگ‌افزارها را با در نظر گرفتن اهداف و منافع خود، به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی داشته است. (لیسر ۲۰۱۲، ۱۲۳) از این رو، واکنش و عکس‌العمل خاصی مبنی بر تحریم‌های یک جانبه یا چند جانبه اقتصادی، تجاری و نظامی علیه این کشورها دیده نمی‌شود و این در حالی است که کشورهای این منطقه تا سطح مطلوب استانداردهای بین‌المللی در زمینه دموکراسی و حقوق بشر فاصله زیادی دارد.

نتیجه گیری:

۵- ارزیابی سیاست حقوق بشری کانادا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی

به طور کلی کانادا اهمیت زیادی به مبحث حقوق بشر، ارتقاء دموکراسی و برقراری حاکمیت قانون در تنظیم روابط خود با کشورهای ثالث می‌دهند. در واقع در کلیه موافقت نامه‌های همکاری اقتصادی-تجاری اتحادیه با کشورهای ثالث بند رعایت حقوق بشر وجود دارد. کانادا بر طبق این سند مصوب، اهداف راهبردی خود را مقدم بر ارتقاء حقوق بشر و دموکراتیزه کردن آن در کشورهای ثالث قرار می‌دهد. (خالوزاده ۱۳۸۹، ۲۴۴) می‌توان اذعان داشت که لحن کلیه قطعنامه، اعلامیه، بیانیه و گزارشات منتشر شده از سوی کانادا علیه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی تقریباً مشابه است اما از لحاظ تعداد، کیفیت و شدت عبارات متفاوت می‌باشند. انتقادات حقوق بشری کانادا را در قالب گزارش، اعلامیه و قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران و کشور عربستان سعودی را می‌توان از چند بعد بررسی نمود:

در ابتدا می‌توان انتقادات حقوق بشری اتحادیه اروپا را در تعداد قطعنامه‌ها بررسی نمود. پارلمان کانادا در ارتباط با وضعیت حقوق بشر، از سال ۲۰۱۲ تا کنون، ۱۴ قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران و ۲ قطعنامه علیه عربستان سعودی منتشر نموده است.

انتقادات حقوق بشری کانادا را در تعدد حوزه‌ها مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر، کانادا در کشور ایران بیشتر بر مولفه‌هایی نظیر مجازات اعدام و سنگسار، حاکمیت قانون، اصلاح قوانین کیفری، حقوق زنان، حقوق کودک، آزادی بیان و عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی اقلیت‌ها (بهائیان) تاکید دارد اما در عربستان سعودی، بیشتر بر مجازات اعدام و سنگسار، اصلاح قوانین کیفری، حقوق زنان و آزادی مطبوعات بیشتر اصرار دارد.

طبق آمار بدست آمده از یافته‌های مقاله فوق، وزارت امور خارجه کانادا از سال ۲۰۰۸ تا کنون بالغ بر ۶۷ مورد بیانیه و اعلامیه فقط در ارتباط با وضعیت حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران منتشر نموده و این در حالی است که این کمیته، ۷ بیانیه در ارتباط با نقض حقوق بشر علیه عربستان سعودی منتشر نموده است.

در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از سوی پارلمان کانادا قطعنامه‌های زیادی علیه ایران تصویب گردیده اما در هیچ یک از بندهای قطعنامه‌ها، از کلمه بربریت و برده‌داری مدرن استفاده نشده است. مفهوم اصطلاحات مذکور، به طور واضح نقض فاحش حقوق بشر را به دنبال دارد و می‌توان آن را در قطعنامه‌ای از سوی کانادا علیه عربستان سعودی، مورخ ۱۱ جولای ۲۰۱۲ در رابطه با اعدام زنان توسط سنگسار شدن را در ملاعام مشاهده نمود، که این عمل را نشانه‌ای از زمان بربریت می‌داند. با این حال کانادا در مناسبات دیپلماتیک خود با دولت عربستان، تعهدات بین‌المللی مورد نظر و تعریف شده از سوی خود را در اولویت قرار نمی‌دهد. پارلمان کانادا در قطعنامه‌های حقوق بشری خود علیه ایران و عربستان سعودی، هر دو را به یک میزان به نقض حقوق زنان محکوم می‌کند. به علاوه بانک جهانی نیز گزارشی را با عنوان "زنان"، کند. لازم به توضیح است، در عربستان سعودی حقوق زنان به شدت محدود است تجارت و قانون ۲۰۱۴ بمنظور رفع محدودیت‌ها به منظور ارتقای برابری جنسیتی "اعلام کرد که عربستان سعودی در لیست اولین کشورهایی قرار دارد که محدودیت‌های زیادی را برای پتانسیل اقتصادی زنان اعمال می‌نماید. (بانک جهانی، ۲۰۱۴) شدت کلمات و عبارات بکار رفته در قطعنامه‌های حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، متفاوت می‌باشد. کانادا در قطعنامه‌های حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران بیشتر از کلماتی مانند "نقض فاحش" و "نقض سیستماتیک" حقوق بشری استفاده می‌نماید اما در قطعنامه‌های حقوق بشری خود علیه عربستان سعودی عبارت "نقض جدی" را به کار برده و در مواردی هم که از "نقض فاحش" را کانادا در ارتباط با همکاری نظامی‌اش با کشور جمهوری اسلامی ایران، آن را منوط به استفاده نماید، تعدادش به مراتب کمتر است رعایت استانداردهای بین‌المللی از سوی جمهوری اسلامی ایران می‌داند اما در مناسبات نظامی خود با عربستان سعودی، علیرغم موارد نقض حقوق بشر در این کشور، خللی در روابط دوجانبه‌شان وارد نمی‌شود. در اینجا می‌توان اذعان داشت طبق گزارشی از اشپیگل، نشان می‌دهد که کانادا بزرگترین کشور صادرکننده اسلحه به کشورهای خاورمیانه می‌باشد. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۰ کانادا اتحادیه کانادا به عربستان سعودی، ریاض صادر نمودند. (لیسر ۲۰۱۲، ۱۲۳) همچنین به گزارشی از میلیارد یورو تجهیزات نظامی حداقل به ارزش ۳/۳ موسسه تحقیقاتی بین‌المللی صلح استکهلم، حجم تجارت جنگ افزارها بین کانادا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۲ نسبت به ۵ سال گذشته، ۲۴ درصد افزایش داشته است در سال ۲۰۰۹ میلادی کانادایی‌ها قوانینی را برای صادرات اسلحه و مهمات بمنظور کنترل تجارت تجهیزات نظامی اتخاذ نمودند. این قوانین حاکی از آن است که از صادرات سلاح‌های جنگی به منظور اهداف نامطلوب نظیر سرکوبی داخلی و تجاوزهای بین‌المللی باید اجتناب گردد. افزون بر موارد فوق، پارلمان کانادا در قطعنامه ۳۱ آوریل- علیه ایران، بیان نمود که انتخابات ژوئن ۲۰۱۳ جمهوری اسلامی ایران بر طبق استانداردهای بین‌المللی برگزار نشده است. این در ۲۰۱۴

کانادا در هیچ یک از قطعنامه‌ها، بیانیه-حالی که در عربستان، از ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی که یک انتخابات ساده می‌باشد، باز مانده‌اند. ها و یا گزارشات ادامه همکاری و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی-تجاری با عربستان را منوط به احترام به تعهدات بین‌المللی و رعایت اصول و استانداردهای بین‌المللی نمی‌داند. این در حالی است که مردمان کشورهای این منطقه، از بدیهی‌ترین حقوق اجتماعی باز مانده‌اند. اما از طرفی دیگر کانادا در اکثر قطعنامه‌های حقوق بشری خود علیه ایران، در کلیه روابطش اعم از سیاسی، اقتصادی-تجاری و نظامی، مسئله رعایت تعهدات و استانداردهای بین‌المللی مد نظر و تعریف شده خود را در اولویت قرار داده و تاکید می‌کند هر دو به موازات یکدیگر حرکت خواهند کرد.

در کلیت امر می‌توان پذیرفت اختلافات کانادا با جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر، تاثیری بر روابط اقتصادی-تجاری دو طرف طی دهه‌های گذشته نداشته است، کما اینکه تا قبل از تحریم بانک مرکزی و صنعت نفت در سال ۲۰۱۲، کانادا بزرگترین طرف شریک تجاری ایران بوده است. به نظر می‌رسد بیشترین تاثیر مسائل حقوق بشری و روابط کانادا و ایران در حوزه سیاسی و نظامی می‌باشد که این تاثیر خود را در کاهش سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک و توقف همکاری‌های نظامی بین طرفین نشان می‌دهد. گو اینکه اختلافات کانادا با ایران در زمینه حقوق بشر تنها دلیل کاهش مناسبات سیاسی و توقف همکاری‌های نظامی میان طرفین نیست. از طرف دیگر می‌توان چنین بیان نمود که اختلافات حقوق بشری کانادا با عربستان سعودی هیچ گونه تاثیری بر سطح روابط تجاری-اقتصادی، سیاسی و نظامی میان طرفین نداشته است. زیرا در دهه‌های گذشته، عربستان یکی از شرکای اصلی تجاری کانادا در منطقه خلیج فارس بوده و تعداد زیادی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری عربستان در زمینه نفت، کانادایی می‌باشند و همچنین کانادا در حوزه‌های دفاعی-نظامی در سال ۲۰۱۲، بیشترین میزان صادرات اسلحه و جنگ‌افزارها را با در نظر گرفتن اهداف خود، به کشورهای حاشیه جنوبی منطقه بالاخص عربستان داشته است. لذا باید این نکته را در نظر داشت که کانادا همواره تلاش کرده هم در حرف و هم در عمل تا حدی خود را متعهد به حقوق بشر نشان دهد و یقیناً کانادا در زمان نیاز به نفت وارداتی عربستان با همان شدت از نقض حقوق بشر سخن نمی‌گوید. اما نباید تصور کرد که کانادا انتقادات حقوق بشری خود را با استفاده از قطعنامه‌های پارلمان، گزارشات، بیانیه‌ها و اعلامیه‌های نهادهای مدنی خود انجام نخواهد داد.

منابع

1. ترجمه‌ی حسین شریفی طراز کوهی، تهران، بنیاد حقوقی میزان حقوق بشر، (تاموشات، کریستیان ۱۳۹۱)
2. تدوین سید عبدالعلی قوام و داوود کیانی، تهران، دیپلماسی سیاست خارجی کانادا، هویت، امنیت و سیاست، (خالوزاده، سعید، ۱۳۸۹)
- پژوهشکده مطالعات راهبردی
3. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی کانادا، هویت، امنیت و سیاست، (قوام، سید عبدالعلی و داوود کیانی، ۱۳۸۹)
4. حقوق بشر در جهان: روندها، موردها و واکنش‌ها، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک (گلشن پژوه، محمودرضا، ۱۳۸۸)
5. حقوق بشر و جایگاه آن در دیپلماسی کانادا در قبال ایران در کتاب اروپا ۱۰، تدوین بهزاد احمدی لفورکی، (گلشن پژوه، محمودرضا، ۱۳۹۰)
- تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
6. ارزیابی تاثیر متغیر حقوق بشر در روابط جمهوری اسلامی ایران و کانادا در ایران و کانادا: تجارب و چشم‌اندازها جلد ۱، (گلشن پژوه، محمودرضا، ۱۳۹۱)
- تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
7. تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت (مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۰)
8. تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، تهران: حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (ممتاز، جمشید، ۱۳۸۲)
9. سیاست و حکومت در کانادا، ترجمه‌ی محسن میردامادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (نیوجنت، نیل، ۱۳۹۳)
9. بررسی روابط اتحادیه کانادا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر امنیت انرژی، (آقاعلیخانی، مهدی، ۱۳۹۰)
- علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۱ و تاثیر آن بر ایران،
10. تاموشات، کریستیان (۱۳۹۱)، حقوق بشر، ترجمه‌ی حسین شریفی طراز کوهی، تهران، بنیاد حقوقی میزان ۱.
11. خالوزاده، سعید، (۱۳۸۹)، دیپلماسی سیاست خارجی کانادا، هویت، امنیت و سیاست، تدوین سید عبدالعلی قوام و داوود کیانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
12. قوام، سید عبدالعلی و داوود کیانی، (۱۳۸۹)، کانادا، هویت، امنیت و سیاست، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
13. گلشن پژوه، محمود رضا، (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان: روندها، موردها و واکنش‌ها، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک
14. گلشن پژوه، محمودرضا، (۱۳۹۰)، حقوق بشر و جایگاه آن در دیپلماسی کانادا در قبال ایران در کتاب اروپا ۱۰، تدوین بهزاد احمدی لفورکی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر

15. گلشن پژوه، محمود رضا، (۱۳۹۱)، ارزیابی تاثیر متغیر حقوق بشر در روابط جمهوری اسلامی ایران و کانادا در ایران و کانادا: تجارب و چشم اندازها جلد ۱،

تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر

16. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۰)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: سمت

17. ممتاز، جمشید، (۱۳۸۲)، تقویت همکاری های بین المللی در زمینه حقوق بشر، تهران: حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

18. نیوجنت، نیل، (۱۳۹۳)، سیاست و حکومت در کانادا، ترجمه ی محسن میردامادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

19. آقا علیخانی، مهدی، (۱۳۹۰)، بررسی روابط اتحادیه کانادا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر امنیت انرژی

و تاثیر آن بر ایران، علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۱

20. عبدخدایی، مجتبی، (۱۳۸۹)، مساله حقوق بشر در روابط ایران و کانادا، سیاست خارجی، دوره ۲۴،

.. مساله حقوق بشر در روابط ایران و کانادا، سیاست خارجی، دوره ۲۴، شماره ۲، (۱۳۸۹). شماره ۲

1. 12. Alston, Philip (2000), **Canada and Human Rights**, Oxford: Oxford University Press.
2. Castberg, Frede (1974), **The Canadian Convention on Human Rights**. Oceana publications Inc.
3. 14. Lard, Evan (1967), **The International Protection of Human Rights**, New York: F.A. Program.
4. Von Leeuwen, Marianne (1999), **Canada and US Security Relations and the New Transatlantic**

Agenda, Netherlands: Institute of International Relations.

5. Aggestam, Lisbeth (2008), **Ethical Power Europe?** International Affairs, Vol.84, No.1.
6. Alhargan, Abdulaziz, (2012), **Saudi Arabia: Civil Rights and Local Actors**, Middle East Policy, Vol. 24,

No.1.

7. Balducci, Giuseppe, (2008), **The Study of the Canada Promotion of Human Rights: the Importance and Internal Factors**, GARENT, No.8.

8. Colombo, Silvia and Camilla Committeri, (2013), **Need to Rethink the Canada -GCC Strategic Relation**, SHARAKA, No.1.

9. Echague, Ana, (2007), **The Canada and Gulf Cooperation Council**, Democratization program, FRIDE.
10. Grimmet, Richard F., (2011), **Conventional Arms Transfers to Developing Nations, 2003-2010**,

CRS Report for Congress.

11. 22. Leser, Leviten, (2012), **Weapons Exports: EU Nations Sell the Most Arms to Saudi Arabia**, Der Spiegel, No.12.

12. Levesque, Julie (2012), **Massive Canada Weapons Sales to Saudi Arabia Contribute to Fuelling International Aggression and Terrorism in the Middle East**, Global Research.
13. Pace, Michele, (2010), **Interrogating the Canada's Democracy Promotion Agenda: Discursive Configurations of Democracy from the Middle East**, European Foreign Affairs Review, No.15.
14. R. Mc Conquodale and Richard Fairbrother, (1999), **Globalization and Human Rights**, Human Rights Quarterly, No.21.
15. Saleh, Nivien, (1999), **The Canada and Gulf States: A Growing Partnership**. Middle East Policy, Vol.7, No.1.
16. Council of the Canada Union, EU Annual Report on Human Rights and Democracy in the World in 2012, Ottawa, 13 May 2013. 9431/13. CiteParliament of Canada, 2011 Canada conclusions on Bahrain, 3082nd Foreign Affairs of Canada meeting, Ottawa. Cited